

# The Models of Crisis Management in the Life of Abnā al-Riḍa

## Case Study: The Crisis of the Legitimacy of the Caliphate

### Research Article

Emamat Pajouhi  
Tenth Year, Vol. 1  
Spring & Summer 2020  
DOI:10.22034  
jep.2021.237423.1196  
jep.emamat.ir



Ali Mohammad Mirjalili<sup>1</sup> / Yahya Mir Hosseini<sup>2</sup>  
Mohammad Zarei Mahmood Abadi<sup>3</sup> / Zahra Ebrahimi<sup>4</sup>

### Abstract:

The crisis is an unexpected and sometimes increasing event in which imposes difficulties on society and creates an unstable situation for individuals or the society and it is required fundamental acts to be eliminated. In the history of Shiite Imamate, the years between 203 to 260 coincided with the leadership of Abnā al-Riḍa. The caliphs adopted a policy in order to prove the legitimacy of their caliphate and to undo the Imams' rights. In contrast, the Imams' counter-strategy plan thwarted these acts. In this article, the set of actions of the late Imams that aimed to prevent the crisis and for the readiness to encounter the crisis, and to introduce the deterrent approaches in three steps of "before the crisis", "during the crisis", and "After the crisis" are discussed and categorized. These principles are feasible in our time.

**Keywords:** Abnā al-Riḍa, Crisis, Management of Crisis, Legitimacy, Caliphs

- 
1. Professor of Quran and Hadith Science, Divinity School, Meybod University.  
almirjalili@meybod.ac.ir
  2. Assistant Professor of Quran and Hadith Science, Divinity School, Meybod University.  
mirhoseini@meybod.ac.ir
  3. Assistant Professor of Management, Humanity Faculty, Meybod University.  
zareim@meybod.ac.ir
  4. PhD Candidate of Quran and Hadith Science, Divinity School, Meybod University  
(Corresponding Author). zahraebrahimi313@yahoo.com

# نماذج إدارة الأزمة في سيرة أبناء الرضا عليه السلام أزمة مشروعية الخلافة "دراسة حالة"

علي محمد ميرجليلي<sup>١</sup> / يحيى ميرحسيني<sup>٢</sup>  
محمد زارعي محمود آبادي<sup>٣</sup> / زهراء إبراهيمي<sup>٤</sup>

مقالة محكمة

امامت پژوهشي  
السنة العاشرة  
العدد الأول، ربيع  
وصيف سنة ٢٠٢٠  
jep.emamat.ir



## ملخص

تُعرّف (الأزمة) بأنها حدث غير متوقَّع أو مُتعاظِم أحياناً يُعرِّض المجتمع إلى بعض المشكلات ممَّا يسبِّب حالة حرجة وغير مستقرَّة للأفراد أو المجتمع بأكمله بحيث يحتاج دفعها وإزالتها إلى إجراءات رئيسة وعاجلة. وفي تاريخ الإمامة الشيعية فإنَّ السنوات (من ٢٠٣ إلى ٢٦٠ هـ) تختصُّ بقيادة أبناء الرضا عليه السلام، وقد اعتمد الخلفاء بعض الأساليب السياسية لمنح خلافتهم الشرعية المطلوبة وإبطال حقِّ الأئمَّة عليهم السلام لكنَّ أبناء الرضا عليه السلام استطاعوا اتِّخاذ تدابير مُعيَّنة وقرارات صائبة لمنع تحقُّق أهداف الخلفاء. تتناول هذه المقالة بأسلوب وصفي تحليلي مجموعة من التدابير والإجراءات التي اتَّبعها الأئمَّة المتأخرون عليهم السلام لتفادي الأزمة والقدرة على مواجهتها واستعراض السبل الكفيلة بإزالتها وذلك عبر ثلاث مراحل: مرحلة ما قبل الأزمة؛ في أثناء الأزمة؛ بعد وقوع الأزمة، وتصنيف تلك السبل ثمَّ الأصول والإجراءات التي يمكن اتِّباعها في الوقت الحاضر.

الكلمات الدلالية: أبناء الرضا عليه السلام؛ الأزمة؛ إدارة الأزمة؛ المشروعية؛ الخلفاء.

١. أستاذ قسم علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات في جامعة (مبيد)، مبيد، ايران  
almirjalili@meybod.ac.ir

٢. أستاذ قسم علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات في جامعة (مبيد)، مبيد، ايران  
mirhoseini@meybod.ac.ir

٣. أستاذ مساعد قسم الإدارة، كلية العلوم الإنسانية، كلية الإلهيات في جامعة (مبيد)، مبيد، ايران  
zareim@meybod.ac.ir

٤. طالبة دكتوراه قسم علوم القرآن والحديث، كلية الإلهيات في جامعة (مبيد)، مبيد، ايران (كاتبة مسؤولة)  
zahraebrahimi313@yahoo.com

# الگوهای مدیریت بحران در سیره ابناء الرضا عليهم السلام: مطالعه موردی بحران مشروعیت خلافت\*

علی محمد میرجلیلی<sup>۱</sup> / یحیی میرحسینی<sup>۲</sup>  
محمد زارعی محمودآبادی<sup>۳</sup> / زهرا ابراهیمی<sup>۴</sup>

## چکیده

بحران، رویدادی غیرمنتظره و گاه فزاینده است که مشکلاتی را بر جامعه تحمیل کرده و حالتی حاد و بی ثبات برای افراد و یا کل جامعه ایجاد می کند که رفع و دفع آن نیازمند اقداماتی اساسی است. در تاریخ امامت شیعی، سال های ۲۰۳ تا ۲۶۰ ق به رهبری و سرپرستی ابناء الرضا عليهم السلام اختصاص دارد. خلفا با اتخاذ برخی سیاست ها در مقام مشروعیت بخشی به خلافت خود و ابطال حق ائمه عليهم السلام برآمدند که البته، ابناء الرضا عليهم السلام با تدابیر خاص و اتخاذ برخی تصمیم ها - توانستند از تحقق این امر جلوگیری کنند. در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، مجموعه اقدامات و اصول مدیریتی ائمه متاخر شیعه عليهم السلام برای پیش گیری از بحران و آمادگی رویارویی با آن و همچنین ارزیابی راهکارهای مقابله ای و بازدارنده - در سه مرحله «قبل از وقوع بحران»، «هنگام وقوع بحران» و نیز «پس از وقوع بحران» - معرفی و دسته بندی شده است؛ اصول و اقداماتی که در عصر حاضر نیز می توانند مورد توجه و اتباع باشند.

**کلیدواژه ها:** ابناء الرضا عليهم السلام، بحران، مدیریت بحران، مشروعیت، خلفا.

\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۷/۶.

۱. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه میبد، میبد، ایران؛ [almirjalili@meybod.ac.ir](mailto:almirjalili@meybod.ac.ir)

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه میبد، میبد، ایران؛

[mirhoseini@meybod.ac.ir](mailto:mirhoseini@meybod.ac.ir)

۳. استادیار گروه مدیریت، دانشکده الهیات دانشگاه میبد، میبد، ایران؛ [zareim@meybod.ac.ir](mailto:zareim@meybod.ac.ir)

۴. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات دانشگاه میبد، میبد، ایران

(نویسنده مسئول): [zahraabrahimi313@yahoo.com](mailto:zahraabrahimi313@yahoo.com)

## مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی-پژوهشی  
امامت پژوهی، سال دهم  
شماره اول، شماره پیاپی ۲۷  
بهار و تابستان ۹۹  
صفحه ۸۳ - ۱۱۶

[jep.emamat.ir](http://jep.emamat.ir)

DOI:10.22034/jep.2021.237423.1196



copyright © the authors

## مقدمه

در تقسیم بندی سنتی، بحران های جوامع بشری به دو نوع «بحران طبیعی» و «بحران انسان ساخت» تقسیم می شوند. آنچه در این میان اهمیت شایان توجهی دارد، تشکیل مدیریتی توانمند است که با به کارگیری شیوه های صحیح و مناسب، با کنترل وضعیت بحرانی، تا حد زیادی میزان خسارات را کاهش و در کوتاه ترین زمان ممکن، جریان امور را به حالت پیش از بحران برگرداند.

ائمه شیعه علیهم السلام به عنوان جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله، هدایت و راهبری همه مردم به ویژه شیعیان را بر عهده داشتند؛ این راهنمایی مشتمل بر حوزه های دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بوده است. در زیارت جامعه کبیره، افزون بر وصف ائمه علیهم السلام به «حاملان کتاب خدا» و «اوصیای پیامبر» به تعبیری چون «پیشوایان خلق»، «رهبران شایسته» و «سیاست مداران و فرمانروایان تدبیرگر بر تمامی بندگان» نیز توصیف شده اند<sup>۱</sup> که نشانگر ابعاد مختلف راهبری ایشان در جامعه اسلامی است. آن بزرگواران در طول زندگی خود، بحران هایی را سپری کرده اند که پیدایی آن، گاه از ناحیه مخالفان و گاه از سوی برخی شیعیان بوده است. مدیریت بحران در سیره ائمه متأخر شیعه علیهم السلام که در این نوشتار از واژه «ابناء الرضا علیهم السلام» برای یادکرد آنان استفاده می شود، تبلور ویژه ای دارد. ایشان و شیعیان از لحاظ سیاسی - اجتماعی در شرایط دشوار و خفقان شدید به سر می بردند. این وضعیت بحرانی سبب شد مدیریت ویژه ای از این ائمه همام علیهم السلام بروز یابد. عباسیان، از نسل عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر صلی الله علیه و آله بودند و می دانستند که از نظر بسیاری از مردم، ائمه علیهم السلام شایستگی حکومت را دارند؛ از این رو، از همان ابتدا با ادعای انتساب به خاندان پیامبر و با شعار «الرضا من آل محمد صلی الله علیه و آله» بر سر کار آمدند و پس از دستیابی به حکومت و پیروزی بر بنی امیه، از این شعار برگشتند و با علویان به دشمنی پرداختند؛ در نتیجه با بحران عدم مشروعیت در حکومت روبه رو شدند و به همین سبب، سعی کردند با اقداماتی خلافت خود را مشروع

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۹۹/۹۳.

جلوه دهند. این شرایط سبب می‌شد، مدیریت ویژه‌ای از این ائمه همام علیهم‌السلام بروز یابد. اگر این بحران توسط ایشان به نحو صحیح مدیریت نمی‌شد، جامعه شیعی متحمل پیامدها و آثاری زیانبار و جبران‌ناشدنی می‌شد.

با توجه به اینکه اصول مدیریتی حاکم بر جوامع کنونی مطلق نبوده و یا به کارگیری تمامی آنها در جوامع اسلامی روا نیست، نیز با عنایت به لزوم حاکمیت ارزش‌های الهی در چنین جوامعی، لازم است شیوه خاص مدیریت اسلامی نیز در آن اعمال شود؛ به همین منظور آشنایی با الگوهای مدیریتی ابناء الرضا علیهم‌السلام به هنگام برخورد با شرایط بحرانی - جهت بهره‌گیری از شیوه مدیریتی ایشان - کارگشا خواهد بود. نوشتار حاضر در پی آن است تا با روشی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از گزاره‌های تاریخی و روایات متضمن سیره ابناء الرضا علیهم‌السلام، به این سؤال پاسخ دهد که مدیریت ابناء الرضا علیهم‌السلام در چنین شرایطی چگونه بوده است؟ لازم به ذکر است که انتخاب سیره ابناء الرضا علیهم‌السلام در استخراج الگوهای مدیریتی بحران، به دلیل همسانی در بسیاری از شرایط سیاسی - اجتماعی با جامعه امروز و تمرکز کمتر بر زندگانی ائمه متأخر علیهم‌السلام و آشنایی کمتر شیعیان با سیره آنهاست. ضمن این که تاکنون پژوهشی که الگوی مدیریت بحران در سیره ابناء الرضا علیهم‌السلام را مورد بحث و مذاقه قرار داده باشد، توسط نویسندگان پژوهش حاضر، یافت نشده است.

## تعریف بحران

آشنایی افراد با واژه «بحران» سبب شده تا مفهوم آن را بدیهی بینگارند، اما واقعیت این است که تعریف «بحران» به علت نفوذ دامنه آن در تمامی جوانب زندگی بشر - اعم از اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... - کارچندان ساده‌ای نیست. از این رو، سیاست‌مداران، صاحب‌نظران علم مدیریت، اقتصاددانان، روان‌شناسان و دیگر محققان در رشته‌های مختلف علمی، هریک به نحوی، واژه بحران را به کار گرفته و به فراخور حیطه کاری خود، تعاریف گوناگونی از این واژه ارائه داده‌اند که در ادامه، به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

«بحران»، واژه‌ای معرّب و یونانی است.<sup>۱</sup> بحران - از نظر برگ -<sup>۲</sup> نقطه عطف در سیر هر چیز، زمان، مرحله یا رویدادی تعیین کننده است؛ موقعیتی که نتیجه آن تعیین کننده وقوع پیامدهای ناخوشایند و یا عدم آن است. اصطلاح بحران از علم پزشکی وارد مباحث مدیریتی و اجتماعی شده است<sup>۳</sup> و به همین جهت، در فرهنگ لغات، بیشتر معنایی متناسب با علم پزشکی را نظاره‌گر هستیم؛ انتقال از یک حالت به حالت دیگر که به صحت یا مریضی منجر می‌شود. از اولی به «بحران خوب» و از دومی به «بحران بد» تعبیر شده است<sup>۴</sup> و یا تغییر ناگهانی که در امراض شدید، برای بیمار ایجاد می‌شود.<sup>۵</sup> دهخدا، «بحران» را تغییری که در حالت تب برای مریض به وجود می‌آید، معنا کرده است.<sup>۶</sup> بارنت،<sup>۷</sup> بحران را ترکیبی از زنجیره‌ای می‌داند که با «حادثه» آغاز و با «تضاد» دنبال می‌شود و به شدیدترین حالت در هم گسیختگی خاتمه می‌یابد.<sup>۸</sup> پرو،<sup>۹</sup> «بحران» را از «حادثه» متمایز دانسته، و آن را اختلالی که سیستم را با مشکلات عمده روبه‌رو کرده و به خطر می‌اندازد و - برخلاف حادثه - از ادامه فعالیت باز می‌دارد، تعریف می‌کند.<sup>۱۰</sup> گنزالس - هررو و پارت،<sup>۱۱</sup> «بحران» را شبیه به مکانیسمی می‌دانند که مراحل تولد، رشد، بلوغ و افول یا مرگ را طی می‌کند؛ یا پایان عمر یک سازمان در حال انحطاط، یعنی زمانی که نابودی آن نزدیک است.<sup>۱۲</sup> گرینر، لپییت و

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ص ۴۳۹.

2. Berg

۳. برگ، دیویدنیه تن، مدیریت بحران، ص ۱۳۵.

۴. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ص ۱۲۱.

۵. ابن منظور، محمد، لسان العرب، ص ۴۶.

۶. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه، ص ۴۳۹.

7. Burentt

8. Burnett, John J. "A Strategic Approach to Managing Crises.", pp. 475-488.

9. Perrow

10. Perrow, Charles, Normal Accidents: Living with High Risk Technologies, p. 84.

11. Gonzalez-Herrero & Partt.

12. Coombs, W. Timothy, "Information and Compassion in Crisis Responses: A Test of Their Effects." pp. 125-142.

اشمیت<sup>۱</sup> بحران‌ها را مقاطعی می‌دانند که اثر مخرب خود را بر تغییرات مرتبط با سیر عمر سازمان‌ها برجای می‌گذارند.<sup>۲</sup> آنها به هر شکل و در هر زمانی ظاهر می‌شوند<sup>۳</sup> و برای فرد، گروه یا سازمان موقعیتی ایجاد می‌کنند که با استفاده از روش‌های معمول، نمی‌توان با آن برخورد کرد، یعنی وضعیتی غیر عادی که الگوهای مدیریت نرمال در این شرایط، پاسخ‌گو نخواهند بود.<sup>۴</sup>

با جمع‌بندی تعاریف مختلف، می‌توان گفت که «بحران، وضعیتی است که دارای پنج مؤلفه و جنبه اساسی است: رخدادی ناگهانی، تحت تأثیر قرارداد زندگی جمع قابل توجهی از افراد جامعه، قطع یا اختلال در جریان عادی امور، به همراه داشتن خسارت مادی و معنوی و نیاز به اخذ تصمیمات و اقدامات فوری».<sup>۵</sup>

### بحران مشروعیت بخشی به خلافت

در این بازه زمانی، هشت خلیفه عباسی (مأمون، معتصم، واثق، متوکل، منتصر، مستعین، معتز، مهتدی و معتمد) بر مسند خلافت نشستند. برخورد خلفا با بحران عدم مشروعیت دو گونه بود؛ مأمون با نزدیک کردن خود به اهل بیت علیهم‌السلام و معتصم، واثق و منتصر با نشان دادن رفتار ملایم نسبت به شیعیان، سعی کردند تا این بحران را مدیریت کرده و از بین ببرند، اما شدت دشمنی برخی از خلفا - نظیر متوکل و خلفای پس از منتصر - با ائمه علیهم‌السلام و علویان، سبب شد تا نتوانند به خوبی بر اوضاع مسلط شوند، از این رو، در تأمین مشروعیت خود به اهرم نظامی سرکوب و قتل متوسل شدند. امام حسن عسکری علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید:

بنی امیه و بنی عباس می‌دانند که خلافت حق آنان نیست. از این رو، بیم آن داشتند که ما مدعی آن شویم و خلافت در جایگاه خود

1. Greiner, Lippitt & Schmidt

۲. حسینی، حسین، «بحران چیست و چگونه تعریف می‌شود؟»، فصلنامه امنیت، ۹/۲۰.

3. Ash, Steven, and Douglas Ross. "Crisis Management through the Lens of Epidemiology." pp. 49-57

4. Burnett, John J. "A Strategic Approach to Managing Crises." pp. 475-488.

۵. صلواتیان، سیاوش، رسانه‌ها و مدیریت بحران، ص ۳۰.

قرار گیرد. افزون بر این، آنها از طریق اخبار متواتر شنیده بودند که حکومت ستمگران، به دست قائم ما عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ، سرنگون خواهد شد و نیز می دانند که منظور از ستمگران، خود آنها هستند. به همین خاطر، در شهید کردن ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، کوشیدند تا شاید مانع تولد قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ شوند یا او را به قتل برسانند.<sup>۱</sup>

اهم اقداماتی که خلفا برای تأمین مشروعیت خود بدانها دست زدند، عبارتند از:

### الف) استخدام علما

خلفا برای مشروع جلوه دادن حکومت خود از حضور علما و فقها و افرادی نظیر یحیی بن اکثم و ابن ابی دؤاد، در ارکان حکومت خود استفاده می کردند. افزون بر این، مأمون از عالمان معتزلی برای مشروعیت بخشی نظری به خلافتش بهره گرفت و از آن جمله نگارش رسائل جاحظ به درخواست مأمون - در تأیید خلافت عباسیان ورد مخالفان - بود.<sup>۲</sup>

### ب) وصلت با ابناء الرضا عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

مأمون، سعی داشت با نزدیک کردن خود به اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، بحران را مدیریت و ریشه کن کند. او پس از شهادت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ - به دلیل قدرت یافتن شیعیان در جهان اسلام - تمام سعی خود را به کار برد تا شرایط را آرام نگه دارد و از همین رو، برای تبرئه خود از اتهام قتل و حفظ حکومتش، نقشه ای جدید تدارک دید. او پیشنهاد ازدواج دخترش با امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ را مطرح کرد و هدفش از این تزویج، تظاهر به دوستی با خاندان نبوت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و عوام فریبی بود؛ چنانکه در بیان انگیزه اش از این وصلت، گفت: علت این امر آن بود که ابو جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ از دخترم صاحب فرزند شود و من پدر بزرگ کودکی باشم که از نسل پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.<sup>۳</sup> این رویداد می توانست در مشروعیت بخشی به خلافت عباسیان مؤثر باشد.

۱. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ۳/ ۱۹۷.

۲. ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان، ۴/ ۳۵۵.

۳. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ۲/ ۴۱۰.



### ج) استخدام شعرا برای منقبت‌گویی خلفا

از دیگر اقدامات خلفا در راستای مشروعیت‌بخشی به حکومتشان، بهره‌گیری از تبلیغات بود که از مسیر شعر و شاعری صورت می‌گرفت و شاعران با دو شیوه ایجابی و سلبی این وظیفه را انجام می‌دادند. آنها در شعرهایشان فضایی کذب و کذایی را به خلفا و حکام نسبت داده و آنان را برتر از علویان نشان می‌دادند. عباسیان نیز پاداش آنان را با هدایایی گران‌قیمت جبران می‌کردند و از سوی دیگر، ائمه علیهم‌السلام را فاقد حق امامت و خلافت معرفی می‌کردند؛ از جمله این شاعران، مروان بن ابی جنوب بود که با سرودن ابیاتی خلافت را حق مسلم عباسیان دانسته و ادعای اهل بیت علیهم‌السلام را در این زمینه، باطل خواند:

سلطنت خلیفه که نامش جعفر است، برای دین و دنیا مایه سلامتی است. میراث محمد برای شماست، با عدالت شماست که ظلم از بین می‌رود. فرزندان دختر آرزوی ارث دارند؛ در حالی که به اندازه ناچیزی از آن بهره ندارند. داماد وارث به حساب نمی‌آید و دختر نیز نمی‌تواند وارث امامت باشد. آنان که مدعی میراث شما هستند، نصیبی جز ندامت ندارند. وارثین و اهلس، ارث را به دست آورده‌اند، پس چرا سرزنش می‌کنید. اگر این حق برای فرزندان فاطمه علیها‌السلام بود، چنین قیامتی برای مردم به پا نمی‌شد. این میراث تنها برای عباسیان است. سوگند به خدا که دیگران گرامی و کریم نخواهند بود.

متوکل عباسی، در قبال سرودن این ابیات، هدایای فراوانی مشتمل بر طلا و جواهرات بسیار و عمارت یمامه و بحرین، به ابن ابی جنوب بخشید.<sup>۱</sup> ابوالشبل برجمی، صولی و ابراهیم بن مدبر<sup>۲</sup> نیز از جمله شاعرانی بودند که از این هدایا برخوردار شدند.

۱. ابن اثیر، علی، تاریخ کامل، ۹/ ۴۱۶۳.

۲. ابوالفرج اصفهانی، علی، الاغانی، ۱۴/ ۳۸۲، ۱۰/ ۲۸۶، ۲۲/ ۳۷۸.

## د) سرپوش نهادن بر جنایات خلفا

گاهی نیز در اثر جنایاتی که عباسیان مرتکب می شدند، مشروعیت جعلی خلافتشان زیر سؤال می رفت و از همین رو، برای جلوگیری از آن اقداماتی انجام می دادند. از جمله این اقدامات می توان به طرح و برنامه ای اشاره کرد که معتمد برای طبیعی جلوه دادن ماجرای شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ریخته بود. توضیح این که معتمد همواره از محبوبیت و نفوذ معنوی امام حسن عسکری علیه السلام در جامعه نگران بود و از طرفی برای حفظ حکومت خود از نابودی توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، به همان شیوه خلفای پیشین، ایشان را پنهانی مسموم کرد. او در این راستا بسیار تلاش کرد تا شهادت امام حسن عسکری علیه السلام را مرگی طبیعی جلوه دهد. تفصیل این واقعه از قول عبید الله بن خاقان - یکی از درباریان عباسی - این گونه است:

هنگام درگذشت ابومحمد حسن بن علی عسکری علیه السلام، حال معتمد دگرگون شد، به نحوی که ما از آن شگفت زده شدیم و فکر نمی کردیم چنین حالی در او که خلیفه وقت بود، دیده شود. وقتی ابومحمد علیه السلام بیمار شد، پنج نفر از فقیهان درباری که از اطرافیان خاص خلیفه بودند - به دستور معتمد - به خانه او رفتند تا در آنجا بمانند که هر اتفاقی افتاد، گزارش دهند. عده ای را نیز به عنوان پرستار و پزشک فرستاد و همچنین، به قاضی بن بختیار فرمان داد، ده نفر از معتمدین را انتخاب کند و به خانه ابومحمد علیه السلام بفرستد و آنان هر صبح و شب نزد او بروند و احوال او را جویا شوند. دو یا سه روز بعد به خلیفه خبر دادند که حال ابومحمد وخیم شده و بعید است که بهبود یابد. خلیفه دستور داد شب و روز در خانه او باشند تا پس از چند روزی رحلت فرمود. خلیفه، وقتی جنازه آماده دفن شد، برادر خود (عیسی بن متوکل) را برای نماز بر جنازه فرستاد. عیسی نزدیک رفت و صورت آن حضرت را باز کرد و به علویان، عباسیان، قاضیان، نویسندگان و شهود نشان داد و گفت: این ابومحمد

عسکری است که به مرگ طبیعی درگذشته است و فلان و فلان از خدمت‌گزاران خلیفه نیز شاهد بوده‌اند.<sup>۱</sup>

چنین رفتاری توسط معتمد را می‌توان اقدامی برای تبرئه و بی‌گناه جلوه دادن خود و شانه خالی کردن از بار مسئولیت ترور امام حسن عسگری علیه السلام دانست که به جهت عوام‌فریبی صورت گرفت تا مشروعیت (جعلی) حکومتش بیش از پیش زیر سؤال نرود.

#### هـ) تضعیف جایگاه رهبری شیعه

خُلُفا برای حفظ مشروعیت جعلی حکومت، سعی کردند ائمه علیهم السلام را به عنوان رقبای سیاسی خود از میدان بیرون کنند؛ زیرا مقام الهی و علمی ائمه علیهم السلام و جایگاه اجتماعی ایشان نزد مردم، تهدیدی برای حکومت خُلُفا به حساب می‌آمد و به همین جهت، تحمل این شرایط برای خُلُفا ناممکن بود و به فکر چاره‌ای بودند تا مقام و جایگاه ائمه علیهم السلام را در نظر مردم پایین آورند و به همین منظور، به انواع حيله‌ها تمسک می‌جستند تا به هدف خود دست یابند.

#### ۱. قداست‌زدایی از ابناء الرضا علیهم السلام

یکی دیگر از اهداف مأمون در تزویج دخترش با امام جواد علیه السلام، بدنام کردن امام علیه السلام بود. او سعی داشت از این طریق، امام علیه السلام را به دربار خود بکشاند و ایشان را در نظر مردم، فردی جلوه دهد که خوی اشرافی‌گری دارد و اشتغال به زندگی دنیوی، ایشان را به ارتکاب انواع فسق و فجور سوق داده است. او سعی داشت با این دسیسه، به قداست امام علیه السلام لطمه زده و جایگاه ایشان را نزد مردم متزلزل سازد؛ آن چنانکه حسین مکاری، تحت تأثیر این فضا قرار گرفت. او درباره وضعیت امام علیه السلام در بغداد، می‌گوید: «امام از طرف حکومت و مردم مورد احترام بودند و من گمان کردم که ایشان با این موقعیت عالی، هرگز به مدینه باز نمی‌گردند، بلکه در بغداد با این همه امکانات مادی خواهد ماند».<sup>۲</sup>

به نقل از محمد بن ریان، مأمون برای بدنام کردن امام جواد علیه السلام اقدامات زیادی

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ۲/ ۳۲۴.

۲. شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، ۴/ ۴۰۰.

انجام داد. برای نمونه، پس از عقد دخترش، صد کنیز زیبا که در دست هریک جامی پراز گوه‌رهای درخشان بود، برگزید و به آنها دستور داد تا پس از نشستن امام علیه السلام در جایگاه خود به استقبال او رفته و به ایشان خوش آمد گویند و یا فردی به نام «مخارق» که صدای خوشی داشت، پیشنهاد همکاری به مأمون داد که برای بدنام کردن امام علیه السلام - از طریق لهو و لعب - او را یاری دهد و با همین هدف، در مقابل امام جواد علیه السلام نشست و شروع به آواز خواندن کرد.<sup>۱</sup>

متوکل نیز با برپا کردن بزم شراب‌نوشی، عیاشی و احضار امام هادی علیه السلام به این مجلس، در صدد بود تا خبر این حضور به گوش مردم و شیعیان برسد. متوکل نیز امام علیه السلام را در کنار خود نشاند و جام شرابی به ایشان تعارف کرد.<sup>۲</sup>

## ۲. تحقیر و توهین

خُلفا و همفکرانشان گاهی از طریق تحقیر و اهانت به ابناء الرضا علیهم السلام سعی می‌کردند شأن و جایگاه ایشان را در نظر مردم پایین بیاورند. شواهدی در این زمینه وجود دارد:

الف) طبق دستور متوکل، روزی که امام علیه السلام به سامراء رسیدند به این بهانه که هنوز محل اقامت ایشان آماده نیست، ایشان را در محلی ویژه مستمندان که معروف به «خان الصعاليك» بود، برده و روز بعد ایشان را به محل اقامتشان آوردند و هدف از این کار تحقیر امام علیه السلام بود؛ چنانکه برخی نظیر صالح بن سعید به آن پی بردند و به ایشان عرض کردند: اینها همواره برای خاموش کردن نور شما تلاش می‌کنند و برای همین منظور شما را در این کاروان سرای حقیرانه مستقر کردند.<sup>۳</sup>

ب) داستان رام کردن استر خلیفه عباسی توسط امام حسن عسکری علیه السلام؛<sup>۴</sup> در حالی که ائمه علیهم السلام این‌گونه امور را به خدام خود می‌سپردند.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲/۵۹۱-۵۹۰.

۲. مسعودی، علی، مروج الذهب ومعادن الجواهر، ۴/۷۷.

۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، همان، ۲/۳۱۱.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/۶۲۵.

گاهی اوقات نیز این تحقیرها و توهین‌ها با تحریک نزدیکان متوکل صورت می‌گرفت. برای نمونه، دربارهٔ احترامی که مأموران متوکل به امام علیه السلام می‌گذاشتند و به هنگام ورودشان پرده را کنار می‌زنند، به او اعتراض کردند و انتشار این امر در بین مردم را سبب آگاه شدن آنان از جایگاه امام علیه السلام نزد خلیفه دانستند. متوکل نیز تحت تأثیر سخنان آنها، این کار را منع کرد.<sup>۱</sup> در برخی موارد نیز درباریان و یا مأموران دولتی شخصاً توهین می‌کردند؛ از جمله عمر بن فرج از مخالفان ائمه علیهم السلام که شخصی بانفوذ در حکومت عباسیان و مدتی فرماندار مدینه بود،<sup>۲</sup> از توهین به ایشان ابایی نداشت و به امام علیه السلام اتهام شرب خمر زد.<sup>۳</sup>

### ۳. برپایی جلسات مناظره

از دیگر اقداماتی که خُلُفا در تضعیف جایگاه ابناء الرضا علیهم السلام انجام می‌دادند، تشکیل مجالس مناظره بود. یکی از علل انجام آن این بود که شیعیان معتقد بودند، علم ائمه علیهم السلام لدنی است؛ از این رو، خُلُفا سعی می‌کردند با برگزاری این گونه مجالس و دعوت از علما، علم ابناء الرضا علیهم السلام را زیر سؤال ببرند، به این نحو که شاید پاسخ برخی از پرسش‌ها را ندانند و شیعیان نسبت به درستی عقیده خود مردّد شوند. همچنین خُلُفا اهداف دیگری را نیز پی می‌گرفتند، از جمله آن که تلاش می‌کردند تا از این طریق، دانشمندان و آحاد مردم را سرگرم و از پرداختن به مسائل اساسی جامعه منحرف ساخته و ضعف‌های حکومت را مخفی بدارند و افزون بر این، خود را به عنوان یک حاکم عالم و دوستدار علم در جامعه بشناسانند. از طرف دیگر، مکتب اعتزال در آن زمان رواج گسترده‌ای پیدا کرده بود و به علت حمایت خُلُفا از آن به اوج قدرت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... رسیده بود. آنان معیار پذیرش همه چیز را حکم عقل می‌دانستند و از همین رو، پذیرش مقام امامت در سنین خردسالی را نپذیرفتند. آنها با حمایت خُلُفا، پرسش‌های پیچیده‌ای

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۵۰/ ۲۱۸.

۲. همو، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله، ۶/ ۱۰۶.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، همان، ۲/ ۵۹۵.

مطرح می‌کردند تا ائمه علیهم‌السلام را در عرصه علمی و سیاسی شکست دهند. برپایی این‌گونه جلسه‌های مناظره و گفت‌وگوی علمی در زمان مأمون به اوج خود رسید و این روند تا دوران امامت امام هادی علیه‌السلام نیز ادامه داشت.

از جمله مناظره‌هایی که خلفا بین ابناء الرضا علیهم‌السلام با علمای درباری برگزار کردند، مناظراتی است که با یحیی بن اکثم و ابن ابی دؤاد صورت گرفته است که به ذکر نمونه‌ای از آنها می‌پردازیم:

متوکل از یحیی بن اکثم و ابن سکیت خواست تا با امام هادی علیه‌السلام مناظره کنند و به همین منظور ابن سکیت درباره فلسفه معجزات انبیاء سؤال کرد که امام علیه‌السلام جواب او را دادند. شکست ابن سکیت، خشم یحیی بن اکثم را برانگیخت و تخصص ابن سکیت در زمینه نحو، شعر و لغت را برای مناظره ناکافی دانست و از انتخاب او برای این کار گله کرد.<sup>۱</sup> واکنشی که یحیی از شکست ابن سکیت و پیروزی امام علیه‌السلام از خود نشان داد، به خوبی نشان‌دهنده اغراض و اهداف برگزارکنندگان این‌گونه جلسات است؛ زیرا پس از آن یحیی با طرح سؤالاتی از امام علیه‌السلام و دریافت پاسخ صحیح آن پرسش‌ها، خطاب به متوکل گفت: پس از این دوست ندارد از ایشان چیزی بپرسد؛ زیرا با این کار علم امام علیه‌السلام بر همگان آشکار می‌شود و شیعه قدرت‌مند خواهد شد.<sup>۲</sup>

### مدیریت بحران ابناء الرضا علیهم‌السلام

مدیریت بحران، فرایندی نظام‌یافته است که طی آن، پیش‌بینی فاکتورهای منجر به بحران، تلاش جهت پیشگیری از وقوع بحران، برنامه‌ریزی و آمادگی برای مقابله با آن، جست‌وجو و به‌کارگیری راهکارهای مناسب برای رفع شرایط بحران‌زا و در نهایت، بازگرداندن شرایط به حالت عادی، صورت می‌گیرد. بر همین اساس، مدیریت بحران در یک تقسیم‌بندی کلی به سه مرحله اساسی تقسیم می‌شود: (۱) «قبل از بحران»؛ (۲) «حین بحران»؛ (۳) «پس از بحران».

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۵۰/ ۱۶۴.

۲. ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ۴/ ۴۰۳-۴۰۵.

با پی‌گیری این سه مرحله است که هدف کلی مدیریت بحران که همانا بهینه‌سازی فعالیت‌های مقابله با بحران، کاهش خسارت‌ها، محدودسازی و کنترل تأثیرات منفی ناشی از آن است، تحقق می‌یابد.<sup>۱</sup>

### مرحله اول: مدیریت ابناء الرضا علیهم‌السلام پیش از بحران

در این مرحله، پیش‌بینی و پیشگیری بحران که نخستین مرحله چرخه مدیریت بحران است، اتفاق می‌افتد. تقریباً اکثر بحران‌ها قابل پیش‌بینی و پیشگیری هستند.<sup>۲</sup> اداره فعالیت‌ها و اقدامات ضروری برای مقابله با بحران، از توان یک فرد، خارج است و نیاز به افرادی ماهر و مجرب دارد. بنابراین، تشکیل تیم مدیریت بحران ضروری است.<sup>۳</sup> با مطالعه احادیث و سیره ابناء الرضا علیهم‌السلام این‌گونه برداشت می‌شود که از نظرایشان، راه برون‌رفت از شرایط بحرانی، با تعبد و توکل به خداوند متعال امکان‌پذیر است. در این راستا، می‌توان به مواردی اشاره کرد؛ از جمله امام جواد علیه‌السلام فرمودند: اگر راه آسمان‌ها و زمین بر شخصی بسته باشد، ولی تقوای الهی پیشه کند، خداوند گشایشی از آنها برایش قرار می‌دهد<sup>۴</sup> و یا امام هادی علیه‌السلام، شرط استجاب دعا در سختی‌ها را تنها توکل کردن به خداوند و اجابت راتنها از او خواستن، می‌دانند.<sup>۵</sup> البته، این بدان معنا نیست که ائمه علیهم‌السلام بدون انجام هیچ فعالیتی، انتظار خروج از این شرایط را داشته باشند، بلکه با بهره‌گیری از اصول مدیریتی، سعی در پیشگیری از وقوع آن را داشته و در صورت وقوع بحران، با اتخاذ تصمیماتی به‌هنگام، به مقابله با آن می‌پرداختند. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین اقدامات صورت گرفته از سوی ابناء الرضا علیهم‌السلام در مرحله پیش از بحران اشاره می‌شود.

1. Koster, Maria C., & Helen Politis-Norton, "Crisis Management Strategies.", pp. 603 – 608.

۲. میتراف ایان؛ انگناس، گاس، مدیریت بحران پیش از روی دادن، ص ۲۸.

3. Reid, Janine L. Crisis Management: Planning and Media Relations for the Design and Construction Industry, p. 17.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۵/ ۴۷۷.

۵. مجلسی، محمد باقر، همان، ۵۰/ ۱۲۸.

## ۱. تقویت بُعد معنوی

همان‌گونه که بیان شد، استمداد از خداوند برای برون‌رفت از شرایط بحرانی در سیره ابناء الرضا علیهم‌السلام، نقشی کلیدی دارد و از این‌رو، برای استفاده از آن باید زمینه‌سازی کرد و این قابلیت را در خود ایجاد کرد. ادعیه منقول از ابناء الرضا علیهم‌السلام در تمامی اوقات شبانه‌روز، حاکی از برقراری ارتباط مستمر ایشان با خداوند و کسب آمادگی لازم بوده است. برای نمونه، از امام هادی علیه‌السلام دعاهایی نقل شده است، از جمله دعا پس از نماز عصر به هنگام خواب و یا بیدار شدن، در نیمه‌های شب، پس از نماز صبح.<sup>۱</sup> ابناء الرضا علیهم‌السلام افزون بر برقراری ارتباط با خدا، با ذکر احادیثی، دیگران را نیز به تقویت بُعد معنوی ترغیب می‌کردند؛ از جمله امام جواد علیه‌السلام می‌فرماید: «هر کس رو به غیر خدا کند، خداوند نیز او را به هم‌و‌اگذارَد»<sup>۲</sup> و یا امام حسن عسکری علیه‌السلام فرمودند: «پرهیزکاری و نیکوکاری، سبب ستایش افراد و غلبه بردشمنان و حفظ نام نیک از هر نقصی می‌شود».<sup>۳</sup>

## ۲. بهره‌گیری از نیروهای انسانی به منزله تیم مدیریت بحران

ابناء الرضا علیهم‌السلام به منظور بصیرت‌افزایی جامعه شیعی و حفظ باورهای آنان نسبت به نامشروع بودن حکومت خلفا و حقانیت امامت خود و نیز هدایت دیگر افراد، استخدام شعرا و اصحاب را در دستور کار خود قرار دادند:

### الف) شعرای امامی

شاعران متعهد شیعی، به دنبال مشروعیت بخشی خلفا به حکومت با احادیث ساختگی و استدلالات کلامی، واکنش نشان داده و با ارائه دلایل مستند از قرآن کریم، حدیث و تاریخ به اثبات امامت ائمه علیهم‌السلام و غصبی بودن حکومت خلفا می‌پرداختند و از این نظر، گامی مهم در برون‌رفت از بحران‌های سیاسی و فکری برداشتند. شعرای امامیه با استفاده از ذوق و قریحه خود، معارف اسلامی

۱. همان، ۳۵۲/۸۳، ۱۰۳/۱۰، ۴۵۰/۹۷، ۲۷۰/۹۰.

۲. همان، ۳۶۴/۷۵.

۳. همان، ۳۷۸/۷۵.



و اعتقادی را در قالب اشعاری که جهت‌گیری‌های سیاسی - فکری آنها را در برداشت، با زبانی مؤثر و شیوه‌ای رسا بیان می‌کردند و ضمن آن که دلایلی بر حقانیت گرایش خود ارائه می‌دادند، دلایل مخالفان خود را نیز رد می‌کردند و از این طریق مردم تحت تأثیر قرار می‌گرفتند؛ زیرا زبان شعر در دل‌ها اثرگذار بود و عاملی مؤثر در اقناع مخاطبان به حساب می‌آمد.

### ب) نخبگان فکری و دینی

از جمله نیروهای انسانی که ابناء الرضا علیهم‌السلام را یاری می‌کردند، اصحاب و شاگردانی بودند که با کسب آموزه‌های خود از محضر ائمه علیهم‌السلام، انتقال آنها را در سطح جهانی برعهده داشتند. البته، در این دوره - به دلیل کنترل شدید فعالیت‌های ابناء الرضا علیهم‌السلام - شعاع فعالیت‌های آنان بسیار محدود بود، اصحاب نیز در زمینه‌های گوناگون دست به تألیفات ارزنده‌ای دست زدند که افزون بر آنکه در عصر ابناء الرضا علیهم‌السلام اثرگذار بود، برای آیندگان نیز سودمند خواهد بود. از آن جمله فضل بن شاذان نیشابوری است که استدلال‌هایی در زمینه نامشروع بودن حکومت ارائه کرد. شیخ طوسی، تعداد اصحاب و شاگردان امام جواد علیه‌السلام را ۱۱۰ نفر، شمار شاگردان امام هادی علیه‌السلام را ۱۸۵ نفر و شمار شاگردان امام حسن عسکری علیه‌السلام را نیز ۱۰۰ نفر دانسته است.<sup>۱</sup>

### ج) پیش‌بینی مشروعیت بخشی به حکومت

ابناء الرضا علیهم‌السلام با علم الهی خود و سابقه حکومت، این امر را پیش‌بینی کردند، به همین جهت با اقداماتی در جهت اثبات امامت خویش، سعی کردند از مشروعیت بخشی به حکومت جلوگیری کنند. ابناء الرضا علیهم‌السلام از نخستین ساعات امامت خود و یا حتی پیش از به امامت رسیدن، با نشان دادن کرامات و یا پاسخ‌های درستی که به سؤالات افراد می‌دادند، برتری خود را نسبت به دیگران به اثبات می‌رساندند. برای نمونه، امام جواد علیه‌السلام پیش از شهادت پدرشان با طی الارض از مدینه به طوس آمدند و با این که درب حجره امام رضا علیه‌السلام

۱. طوسی، محمد بن حسن، رجال، ص ۳۹۷-۴۲۷.

بسته بود، وارد حجره شدند. این امر سبب تعجب و حیرت اباصلت - خادم امام رضا علیه السلام - شد و امور دیگری که به دنبال آن به وقوع پیوست؛ از جمله وجود لوازم تغسیل، تابوت و ... با این که پیش از آن در آنجا وجود نداشتند، بیانگر کرامات ایشان بود<sup>۱</sup> و یا ملاقات یحیی بن اکثم با امام جواد علیه السلام در مدینه و مناظره‌های او با امام علیه السلام، که به شکست یحیی بن اکثم انجامید.<sup>۲</sup>

### مرحله دوم: مدیریت ابناء الرضا علیهم السلام حین بحران

مرحله حین بحران زمانی است که مدیران باید به بحران پاسخ دهند.<sup>۳</sup> بهترین استراتژی برای جلوگیری از رشد یک بحران بالقوه، مهار آن است؛ زیرا عدم مهار بحران در مراحل اولیه شکل‌گیری، توسعه آن را در پی دارد که کنترل آن را ناممکن می‌سازد.<sup>۴</sup> موارد ذیل را می‌توان در شمار اقدامات ائمه متأخر علیهم السلام در مدیریت حین بحران به شمار آورد:

#### ۱. نامشروع دانستن حکومت

ابناء الرضا علیهم السلام با نگرش الهی به حکومت، هر نوع حکومتی را که بدون رهبری ایشان تشکیل شود، فاقد مشروعیت دانسته و به همین علت، مشروعیت هیچ‌کدام از خلفای عباسی را تأیید نکردند و تسلیم آنان نیز نشدند، بلکه به شیوه‌های گوناگون، مشروعیت حکومت را زیر سؤال بردند که در ادامه، به آنها می‌پردازیم.

#### الف) بصیرت افزایی

از جمله اقدامات ابناء الرضا علیهم السلام، دشمن‌شناسی بود تا شیعیان چهره واقعی خلفا را بشناسند و بدانند که حکومت به اصطلاح اسلامی آنها، فاقد مشروعیت الهی است و این کار بیشتر در قالب دعا و مناجات صورت می‌گرفت؛ هر چند گاهی شعرانیز ایشان را یاری می‌کردند. لازم به ذکر است که گاهی نیز این مطلب در سخنان ابناء الرضا علیهم السلام،

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، عیون اخبار الرضا علیهم السلام، ۱/ ۲۷۲-۲۷۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲/ ۱۹۹.

3. Coombs, Timothy W. "Crisis management and communications." p. 4

۴. گاتزچاک، جک، مدیریت بحران (در بخش‌های خصوصی و دولتی)، ص ۶۵.

به صراحت بیان شده است. برای نمونه، سخن امام حسن عسکری علیه السلام درباره علت شهید کردن اهل بیت علیهم السلام که پیش از این بیان شد.

### ب) مصداق طاغوت دانستن خلفا

ابناء الرضا علیهم السلام گاهی با استفاده از واژه‌ها، ماهیت حکومت خلفا را بیان می‌کردند. ایشان در زمان‌های مناسب، با کنایه و گاه به صراحت، خلفا را طاغوت خوانده و شیعیان را از یاری به آنها نهی می‌کردند. از آن جمله، سخن امام هادی علیه السلام درباره متوکل است. ایشان در حال عبور از کنار کاخ نیمه‌ساز جعفریه در سامراء بودند که به یکی از همراهانشان فرمودند: این طاغوت پیش از تکمیل این ساختمان، به دست فرعونى از فراغنه ترک کشته می‌شود.<sup>۱</sup> در قرآن، واژه طاغوت، در برابر خداوند قرار دارد؛ «خداوند، ولی کسانی است که ایمان آورده‌اند، آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌برد و کسانی که کافر شدند، ولیشان طاغوت است...»<sup>۲</sup>. در این آیه شریفه، خداوند خود را ولی مؤمنان و طاغوت را ولی کافران می‌خواند. ایشان افزون بر نامشروع دانستن حکومت، با تکیه بر علم غیب، در قالب سه گزاره خبری از آینده، امامت خود را نیز ثابت کردند: (۱) متوکل کشته می‌شود؛ (۲) قاتل او، از ترکان است؛ (۳) زمان قتل، پیش از تکمیل کاخ است.

نمونه دیگر درباره معتزو مهتدی است که امام حسن عسکری علیه السلام، لقب «طاغوت» به آنها دادند.<sup>۳</sup>

### • در قالب دعا

در دعاهای منقول از ایشان، افزون بر مسئله عبادت و بندگی خداوند، به جنبه‌های سیاسی و اجتماعی نیز توجه شده است. برای نمونه، در دعای قنوت امام حسن

۱. منسوب به طبری، ابن رستم، دلائل الامامة، ص ۴۱۴.

۲. «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولِيَاءُ لَهُمُ الطَّاغُوتُ» (بقره: ۲۵۷).

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۵/ ۳۱۳.

عسکری علیه السلام، نامشروع بودن حکومت این گونه بیان شده است: دشمنان دینت بر ما مسلط شده‌اند و کسانی که ریشه همه کاستی‌هایند و کسانی که حکومت تو را تعطیل کرده و به نابود کردن بندگان و تباه ساختن دیار تو همت دارند. زمام امور را از دست ما ربودند. خدایا! پس از این که غنیمت ما را میان خود تقسیم کردند آن را مایه غلبه و برتری خویش قرار دادند و پس از آن که ریاست حکومت را به ما دادی، آن را بر اساس مشورت خود به کسی دیگر دادند و پس از آن که برگزیده الهی بودیم، به عنوان میراث آنها شدیم. با سهم یتیمان و بیوه‌زنان، ابزار لهو و لعب از بیت‌المال خریداری شد و اهل ذمه، حاکم و فرمانروای مؤمنان راستین شدند و فاسقان هر قبيله‌ای، سرپرست امور آنها شدند.<sup>۱</sup> امام حسن عسکری علیه السلام در همین دعا، اذهان مردم را متوجه واقعیت‌هایی در سطح جامعه می‌کنند، مواردی چون خواری و ذلت مسلمانان، شیوع منکرات و فحشا، حاکمیت دشمنان خداوند و علت آن را غضب حق ولایت خود می‌دانند که از زمان امام علی علیه السلام شروع شد و تاکنون ادامه دارد.

ابناء الرضا علیهم السلام گاهی نیز نامشروع دانستن حکومت را با اشاره به غضب حق امام علی علیه السلام، اعلام می‌کردند. برای نمونه، اشاراتی که در زیارت غدیریه در این رابطه بیان فرمودند. ایشان در حرم امام علی علیه السلام این گونه شهادت دادند که «تو نخستین مظلوم و نخستین کسی هستی که حقش غضب شده و در این راه پایداری کردی».<sup>۲</sup>

### • در قالب شعر

ابناء الرضا علیهم السلام نیز از کانال تبلیغاتی شعرو شاعران استفاده کرده و افزون بر اثبات امامت خود، مشروعیت حکومت خلفا را نقد و تخطئه کردند. برای نمونه، امام هادی علیه السلام در پاسخ به سؤال متوکل درباره بهترین شاعر، از جمانی نام بردند و قسمتی از اشعار او را که مشروعیت خلافت را زیر سؤال می‌برد،

۱. حلی، علی بن طاووس، مهج الدعوات ومنهج العبادات، ص ۶۶.

۲. مجلسی، محمد باقر، همان، ۳۳۷/۹۷.

گزینش کرده و فرمودند:

گروهی از قریش به گونه‌های کشیده و بلندی انگشتان خود، به ما فخر فروختند. زمانی که کار به نزاع کشید، ندای عبادتگاه‌ها به نفع ما داوری کرد. هرچند ما را ساکت می‌بینی، ولی با صدای بلند به فضل و برتری ما بر قریش در هر مجلسی، گواهی داده می‌شود. همانا پیامبر ﷺ جد ماست و ما فرزندان او مانند ستارگان درخشانیم. سپس از متوکل پرسیدند: این محمد ﷺ جد من است یا جد تو؟! متوکل با لحنی شکست خورده، تصدیق کرد و گفت: او جدّ توست و ما منکر این انتساب نیستیم. امام علی با انتساب خود به پیامبر ﷺ، قصد بیان این مطلب را داشتند که حتی اگر در انتخاب جانشین پیامبر ﷺ رابطه خویشاوندی ملاک باشد، این مقام، شایسته اهل بیت علی است و خواهد بود و خلفا هیچ حقی در این باره ندارند.

برخی از شعرای آن زمان نیز ائمه علی را در این حرکت همراهی می‌کردند. ابوهاشم جعفری از یاران انباء الرضا علی است که در مناسبت‌های گوناگون در مدح ائمه علی و دفاع از ولایت، شعر می‌سرود. او در رثای یحیی بن عمر که بر ضد حکومت و برای عدالت اجتماعی و تقسیم اموال میان تهیدستان، قیام کرده بود، شعری سرود. پس از کشته شدن یحیی بن عمر، سرش را به سامراء آوردند. ابن طاهر در یک اقدام سیاسی - فرهنگی، جشن پیروزی ترتیب داد و اجازه داد تا مردم با حضور در آن، پیروزی اش را تبریک بگویند و او بتواند سرکوب قیام را به این شیوه، مردم‌پسند جلوه دهد. در این هنگام، ابوهاشم بر او وارد شد و در انتقاد از حرکت او، گفت: تو برای تبریک کشته‌ای نشسته‌ای که اگر پیامبر ﷺ زنده بود، به عزای او می‌نشست و مجلس را با خواندن این دو بیتی ترک کرد: «ای طاهریان! گوشت او را بخورید که مرض آور است؛ گوشت پیامبر ﷺ گوارا و قابل خوردن نیست. خونی که خدا منتقمش است، از یاد نمی‌رود و انتقام آن گرفته می‌شود».<sup>۲</sup> این شعرا، زمینه را فراهم کرد تا شاعران دیگر نیز، در رثای

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علی، ۴/ ۴۰۶.

۲. امین، محسن، اعیان الشیعه، ۶/ ۳۷۸.

یحیی، اشعاری بسرایند، اما شعرابن رومی، از بهترین اشعاری است که دررثای یحیی سروده شده و در آن به هجوبنی عباس پرداخته شده که بخشی از آن را بیان می‌کنیم:

... آیا دین خود را به بدترین حکام (بنی عباس) می‌فروشید؟ نزدیک است دین خدا به کلی نابود شود. خدا اراده کرده علویان پاک سرشت باشند. شما مردمانی ناپاک و آنها در کارهای پسندیده پیشتاز باشند. گرچه شما هم از قبیله آنها هستید و جدتان یکی است؛ ولی گاهی آب صافی پاک، با گل و لای همراه می‌گردد!

### ج) مبارزه منفی با حکومت

یکی دیگر از اقدامات ابناء الرضا علیهم‌السلام در نامشروع دانستن حکومت عباسی، اتخاذ موضع منفی ایشان در برابر خلفا بود که به شیوه‌های گوناگون ابراز می‌شد:

#### • نهی از همکاری با حکومت

ابناء الرضا علیهم‌السلام برای آشکار ساختن ماهیت ظالمانه حکومت، هرگونه همکاری یا مراجعه به آن‌ها را جز در موارد استثنایی، ممنوع اعلام کرده بودند. این مطلب در برخی سخنان ایشان بیان شده و به عنوان نمونه، امام هادی علیه‌السلام به محمد بن علی بن عیسی که درباره همکاری با بنی عباس و دریافت حقوق از آنان سؤال کرده بود، چنین پاسخ دادند: «آن مقدار از همکاری که با اجبار صورت گرفته، اشکال ندارد و خداوند عذرپذیراست، اما غیر از آن، ناپسند است». امام علیه‌السلام پس از آگاهی از انگیزه او از اشتغال در حکومت که ضربه‌زدن به دشمن بود، فرمودند: «همکاری با آنها نه تنها حرام نیست، بلکه پاداش و ثواب نیز دارد». <sup>۲</sup> امام جواد علیه‌السلام نیز در این رابطه فرمودند: «ستمگرو کسی که او را کمک کند یا به ستم او راضی باشد، همه با هم شریک هستند». <sup>۳</sup>

۱. ابوالفرج اصفهانی، علی، مقاتل الطالبیین، ص ۵۱۱.

۲. شیخ حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ۱۲/ ۱۳۷.

۳. اربلی، علی، کشف الغمة، ۳/ ۱۴۰.

## • نهی از رجوع به قضات حکومت

ابناء الرضا علیهم السلام شیعیان را از مراجعه به حکومت و قضات درباری، برای حل مشکلات خود نهی می‌کردند و از این طریق نیز، مشروعیت آنها را زیر سؤال می‌بردند. شایان ذکر است که قرآن کریم، از طرح دعوا در دادگاه طاغوت (چون سلاطین جور) نهی کرده است.<sup>۱</sup> برای نمونه، یکی از وابستگان دربار به نام «شفیع خادم»، زمین سیف بن لیث در مصر را غصب کرد و او را از آنجا بیرون کرد. سیف نیز به سامراء آمد تا برای دادخواهی نزد مهتدی رفته و از شفیع شکایت کند. به پیشنهاد چند تن از شیعیان، نامه‌ای به امام حسن عسکری علیه السلام نوشت و از ایشان مشورت خواست. امام علیه السلام در جوابش او را به بازپس‌گیری زمینش امیدوار ساختند و البته، از رفتن به نزد خلیفه نهی کردند، و او را امر کردند به نزد وکیلی که زمین را غصب کرده برود و او را از سلطان بزرگ‌تر، یعنی پروردگار جهانیان بترساند.<sup>۲</sup>

## • رد دیدگاه‌های فقهی و کلامی فقهای درباری

مرکز خلافت، محل رفت و آمد بسیاری از مردم و افراد سرشناس بود. ابناء الرضا علیهم السلام نیز با حضور اجباری در جلسات مناظره دربار، شرکت می‌کردند. ایشان با بهره‌گیری از فرصت ایجاد شده، با بیاناتی مستدل و متقن، پیروز همه مناظرات بودند و این امر، شمار علاقه‌مندان به ایشان را افزایش می‌داد. برای نمونه، پس از شکست یحیی بن اکثم در مناظره با امام جواد علیه السلام، مأمون خطاب به خاندان خود از ناتوانی آنها در ارائه جواب به نحوی که امام علیه السلام بیان فرمودند، سخن گفت که با تصدیق آنها همراه بود.<sup>۳</sup> خبر این پیروزی‌ها به شیعیان نیز می‌رسید و بر اطمینان قلبی آنان نسبت به حقانیت مذهب تشیع، می‌افزود و مایه تقویت پایگاه تشیع می‌شد. شاهد این امر، واکنش یحیی پس از شنیدن پاسخ سؤال‌های خود توسط

۱. «الَّذِينَ يَدْعُونَ أَنفُسَهُمْ إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا» (نساء: ۶۰).

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲/ ۶۳۶.

۳. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ص ۱۰۱.

امام هادی علیه السلام است که به جهت جلوگیری از قدرت مند شدن شیعه، آزمودن امام علیه السلام را خطا دانست.<sup>۱</sup>

پیامد دیگر این پیروزی‌ها، اثبات غیر مشروع بودن حکومت بود؛ زیرا خلفا برای مشروعیت بخشی به حکومت خود، از وجهه فقهای عامه استفاده می‌کردند و از این طریق به حکومت خود، جلوه‌ای اسلامی می‌دادند. شاهد مثال، سخنانی است که ابن ابی دؤاد - پس از پذیرش فتوای امام جواد علیه السلام توسط معتصم - خطاب به خلیفه بیان کرد. او بیان داشت حقی از امیر المؤمنین علیه السلام برگردنش است و خیرخواهی نسبت به بقای حکومت و دولت خلیفه بر او واجب است، احمد پذیرش فتوای امام علیه السلام که اکثریت، به امامتش اعتقاد دارند و حتی او را از خلیفه شایسته‌تر و خلیفه را غاصب حق او می‌دانند و رجحان آن به فتوای فقهای درباری در حضور وزیران، نگهبانان و خانواده خلیفه و عوامی که در پشت درب استراق سمع می‌کنند را تهدیدی برای حکومت دانست. ابن ابی دؤاد با بیان این مطلب که خبر در بین مردم منتشر گردید و خود دلیلی قاطع بر حقانیت او نزد شیعیان شد، از معتصم سؤال کرد، چگونه می‌تواند از نافرمانی مردم و شکست حکومت عباسیان ایمن باشد؟!<sup>۲</sup>

#### • پایبندی به تبری و تولی

تولی و تبری، ابزار روحی و عاطفی برای مؤمنان هستند که به وسیله تولی، مؤمنان به سوی صالحان جذب و در مسیر حق نگه داشته می‌شوند و تبری نیز آنان را از فاسقان و مسیرشان دور می‌سازد. ابناء الرضا علیهم السلام همواره شیعیان را به این دو اصل توجه می‌دادند و برای نامشروع دانستن حکومت، شیعیان را به دوستی و دشمنی برای خدا، تشویق می‌کردند، از آن جمله، امام جواد علیه السلام می‌فرماید: خداوند به یکی از پیامبران وحی فرمود: دل کندن از دنیا، سبب آسودگی زودرس توست و دل بستنت به من، سبب ارجمندی تو، نزد من است، اما آیا به خاطر

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ۴/ ۴۰۳-۴۰۵.

۲. عیاشی، محمد، تفسیر العیاشی، ص ۳۱۵.



من، با کسی دشمنی یا دوستی کرده‌ای؟<sup>۱</sup> از طرفی، ائمه علیهم‌السلام خود و دشمنانشان را مصداق دوست و دشمن خداوند می‌دانند؛ چنانکه امام جواد علیه‌السلام در قنوت خود می‌فرماید: بار خدایا، دوستانت را بردشمنان ستمگرت پیروز گردان، هم آنان که اموال تو را در میان خود دست به دست چرخاندند.<sup>۲</sup>

امام هادی علیه‌السلام نیز - در فرازی از زیارت جامعه کبیره - خطاب به اهل بیت علیهم‌السلام فرمودند: «دوستان شما، دوستان خدا است و دشمن شما، دشمن خدا است».<sup>۳</sup> در این فراز، این نکته بیان شده که دوستی خداوند، بدون دوستی ائمه علیهم‌السلام ممکن نیست. بنابراین، هر کس خواهان دوستی خدا است، شرط آن دوستی با ائمه علیهم‌السلام و دشمنی با دشمنان آنهاست؛ زیرا دشمنان آنان، دشمنان خداوند هستند.

دعبل خزاعی، در همین زمینه، این‌گونه سروده است: «آنها را که از خویشان من نیستند یا رابطه‌ی دوری دارند، دوست می‌دارم، هرگاه دوست شما باشند و از زن و دختران خود، دوری می‌گزینم، اگر از شیعه و موالی شما نباشند».<sup>۴</sup>

#### د) مرزبندی با حکومت

یکی از اقدامات ابناء الرضا علیهم‌السلام مقابله با حکومت و مشروعیت آن با رعایت تقیه و حفظ مصلحت جامعه شیعی بود. بنابراین، فرامین و تصمیمات حکومتی از نظر ایشان، فاقد وجاهت شرعی بوده و خود را ملزم به اطاعت از آنها نمی‌دیدند. از این رو، مشاهده می‌شود در مواردی چون، فتنه‌ی خلق قرآن، از تفکر حکومت در این باره حمایت نکردند و شیعیان را از پرداختن به آن بر حذر داشتند. «محنة القرآن»، تفتیش عقاید پیرامون حدوث و قدم قرآن است که توسط حکومت عباسی انجام شد.<sup>۵</sup> بر این اساس، مخالفان عقیده‌ی خلفا، شکنجه و زندانی می‌شدند و یا به

۱. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ص ۴۵۵.

۲. حلّی، علی بن طاووس، مهج الدعوات ومنهج العبادات، ص ۶۰.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۹۹/ ۱۲۹.

۴. خزاعی، دعبل، دیوان، ص ۱۴۰.

5. Ess, Josef van. Theologie Und Gesellschaft Im 2. Und 3. Jahrhundert Hidschra, pp. 907 -

قتل می‌رسیدند.<sup>۱</sup> برخی بر این باورند که جریان «محنه»، کارکردی سیاسی داشته است؛ با این توضیح که مأمون می‌خواست برای خلافت خویش، اقتدار معنوی به‌دست آورد یا اقتدار گذشته را بازیابد و به این ترتیب، نفوذ علمای اهل سنت را محدود سازد. از این رو، نوعی دستگاه تفتیش عقاید تشکیل داد تا همه مقامات، ملزم شوند به نظر کلامی خاص خلیفه اذعان کرده و ایمان بیاورند.<sup>۲</sup> مخالفان عقیده خلیفه، شکنجه و زندانی می‌شدند و یا به قتل می‌رسیدند.<sup>۳</sup> از آنجا که جنبه سیاسی این جریان بر بُعد فکری اش غلبه داشت، ابنا الرضا علیهم‌السلام شیعیان را از ورود به آن نهی می‌کردند و با تأکید بر این که «قرآن، کلام خداست»، افکار شیعیان را از دامن زدن به بحث‌های حاشیه‌ای دور می‌کردند.

## ۲. اثبات امامت خود

امام و جانشین پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، با انتخاب خداوند مشخص می‌شوند، اما اثبات این انتخاب، از طریق علم لدنی امام، استناد به آیات قرآن و روایات، صورت می‌گیرد. ابنا الرضا علیهم‌السلام نیز به همین طریق و همزمان با نامشروع دانستن حکومت، امامت خود را ثابت می‌کردند؛ همچنان که مأمون پس از پیروزی امام جواد علیه‌السلام بریحی بن اکثم، این حقیقت را بیان کرد و گفت: امام علیه‌السلام از نظر علمی بر همه علما و فضلا برتری دارد. علم او با این که خردسال است، مایه شگفتی است. علم اهل بیت علیهم‌السلام از علم خدا و الهام او سرچشمه می‌گیرد و ایشان در علم و ادب همواره در بالاترین مرتبه بوده و از دیگران بی‌نیاز بودند.<sup>۴</sup>

### الف) اثبات امامت با تبیین گستره علمی ائمه علیهم‌السلام

امام حسن عسکری علیه‌السلام، فرمودند: همانا خداوند، حجّتش را برای بندگانش الگو و دلیلی روشن قرار داد و او را ممتاز گردانید و به تمام لغات و اصطلاحات اقوام و

۱. شاکری، حسین، موسوعه المصطفی والعترة، ۱۴/۲۴۳.

۲. نادری، نادر، برآمدن عباسیان، ایدئولوژی مذهبی و اقتدار سیاسی، ص ۶۰.

۳. شیخ صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، التوحید، ص ۲۲۴.

۴. طبرسی، احمد بن علی، احتجاج، ۲/۲۴۱.

أنساب آشنا کرد. او از پایان عمر افراد و موجودات و نیز اتفاقات خبردارد و اگر این امتیاز نبود، بین او و دیگران فرقی نبود.<sup>۱</sup> البته این علم، تابع اراده خداوند است؛ آن چنان که امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: هنگامی که امام اراده دانستن چیزی را بکند، خدا این آگاهی را به او می‌دهد.<sup>۲</sup>

ابوهاشم جعفری نیز در قالب شعری ضمن رثای امام هادی علیه السلام، به توانایی‌های ایشان، در مقام امامت اشاره کرده است و می‌گوید: «ای آقای من! عجیب است که به درد و رنج گرفتار شده‌اید؛ حال آن‌که خود، طبیب همه دردها هستید و آنها را درمان می‌کنید و مردگان را زنده می‌کنید».<sup>۳</sup>

### ب) مبارزه با احادیث جعلی

ابناء الرضا علیهم السلام با بیان معیارها و ضوابطی چون مطابقت با قرآن و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله، سازگاری با عقل و آموزه‌های اصلی دین، بدور از هرگونه تعصب، ضمن رد احادیث جعلی در منقبت شیخین،<sup>۴</sup> مقام علمی خود را در اشراف بر علوم قرآنی و کلامی نشان می‌دادند. برای نمونه، یحیی بن اکثم روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کردند که فرمودند: هیچ‌گاه وحی از من قطع نشد، مگر آنکه گمان بردم به خاندان خطاب نازل شده است. یعنی نبوت از پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها منتقل شده است. امام علیه السلام با بیان این که امکان ندارد، پیامبر صلی الله علیه و آله در نبوت خود شک کند؛ زیرا خداوند از فرشتگان و همچنین از انسان‌ها رسولانی برمی‌گزیند و بی‌گمان خداوند شنوای بیناست.<sup>۵</sup> روایت او را رد کردند. بنا براین، با گزینش الهی، پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت به نبوت خود شک نمی‌کند و ممکن نیست نبوت از کسی که خدا او را انتخاب کرده، به کسی که مشرک بوده منتقل شود.<sup>۶</sup>

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۶۳۱/۲.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ۵۷/۲۶.

۳. همان، ۲۲۲/۵۰.

۴. همان، ص ۸۰.

۵. «اللّٰهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ» (حج: ۷۵).

۶. طبرسی، احمد بن علی، همان، ۲۴۹/۲.

### ج) پاسخ به پرسش‌های دشوار

یکی دیگر از مواردی که نشان‌دهنده مقام علمی ابناء الرضا علیهم‌السلام است، آگاهی آنان به تمامی مسائل و پاسخ دادن به سؤالاتی بود که دیگران قادر نبودند جواب آن را بیان کنند. از آن جمله پرده برداشتن از راز استجابت دعای مسیحیان در نزول باران به هنگام قحطی شدید است که در این واقعه، امام حسن عسکری علیه‌السلام علت را یک استخوان سیاه میان دو انگشت دست راست راهب دانستند و پس از امر به بیرون آوردن آن، از او خواستند برای نزول باران دعا کند و با دعای او آفتاب نمایان شد. امام علیه‌السلام ارتباط استخوان و نزول باران را که سؤال خلیفه بود، این‌گونه بیان فرمودند که راهب با عبور از قبر پیامبری، استخوان را دیده و برداشته است و استخوان هیچ پیامبری نمایان نمی‌شود، مگر این که از آسمان باران خواهد بارید. استخوان را آزمودند، دیدند همان‌طور است که امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرمایند و مقام علمی ایشان نزد مردم آشکار شد.<sup>۱</sup>

### ۳. اثبات امامت امام علی علیه‌السلام

ابناء الرضا علیهم‌السلام، به همراه نیروهای کمکی خود، مقام امامت را برای امام علی علیه‌السلام اثبات کردند و به این شیوه، ضمن اثبات امامت خود، حکومت خلفا را نامشروع معرفی می‌کردند که به مواردی از آن اشاره می‌شود.

### الف) با استناد به آیات قرآن

فضل بن شاذان با استناد به آیه: خویشاوندان طبق کتاب خدا، بعضی نسبت به بعضی اولویت دارند و بر مؤمنان و مهاجران مقدم هستند،<sup>۲</sup> بر امامت امام علی علیه‌السلام استدلال کرد که خداوند ولایت را بر نزدیک‌ترین افراد به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم واجب کرده و او را اولی از دیگران دانسته است و امام علی علیه‌السلام در این مقام، بر دیگران مقدم است. اگر کسی عباس - عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - را بر امام علی علیه‌السلام مقدم بدارد، پاسخ آن است که اقریبیت در آیه بر صفت ایمان و هجرت مقید شده؛ در حالی که عباس

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام، ۴/ ۲۲۵.

۲. «أُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ» (احزاب: ۶).

از مهاجران نبوده است.<sup>۱</sup>

امام هادی علیه السلام، با استناد به آیاتی در ضمن زیارتنامه غدیریّه، به اثبات این امر پرداختند که به نمونه‌ای از آن اشاره می‌شود:

... و شهادت می‌دهم که تو امیر مؤمنان هستی، قرآن درباره ولایت تو این‌گونه گفت: ولی شما، تنها خدا و رسول او و کسانی که ایمان آورده‌اند؛ همان کسانی که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع نماز زکات می‌پردازند، هستند. و رسول خدا در این زمینه برای تو از امت پیمان گرفت.<sup>۲</sup>

این آیه که به «آیه ولایت» مشهور است، یکی از رساترین آیاتی است که امامت بلافصل امام علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله را اثبات می‌کند؛ زیرا ولی کسی است که امور مردم را تدبیر می‌کند و منظور از «الذین آمنوا» امام علی علیه السلام است و به این ترتیب، امامت ایشان ثابت می‌شود.<sup>۳</sup>

دعبل خزاعی نیز در این زمینه ابیاتی سروده است:

قرآن در فضیلت آل محمد صلی الله علیه و آله و از ولایت امام علی علیه السلام سخن گفته که قابل انکار نیست. ولایت امام برگزیده‌ای که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، راستگو و بهترین افراد بود. هنگامی که در حال نماز بودند، مسکینی به سوی ایشان آمد و او با رغبت، دستشان را به سوی او دراز کردند و آن مسکین، انگشتر را گرفت و جبرئیل فرود آمد.<sup>۴</sup>

### ب) با استناد به روایات نبوی

امام هادی علیه السلام در رساله جبر و تفویض - به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله - فرمودند: علی علیه السلام وام مرا می‌پردازد، به وعده‌ام وفا می‌کند و پس از من جانشین من بر شماست.<sup>۵</sup>

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الفصول المختاره، ص ۱۷۰.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۳۶۴/۹۷.

۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۳/۳۶۳.

۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، همان، ۲/۲۱۲.

۵. ابن شعبه حرانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ص ۴۵۹.

همچنین در زیارت غدیریه فرمودند:

تو [=امام علی علیه السلام] به خدا سوگند خوردی که پیامبر صلی الله علیه و آله، در حالی که شمشیر می زدی، به تونگاه کردند و فرمودند: نسبت توبه من، به منزله نسبت هارون به موسی است، اما پیامبر نیستی و تو را آگاه کنم که در زندگی و مرگ، همه جا با من و با سنتم خواهی بود.<sup>۱</sup>

### ج) اثبات امامت با ارائه معجزات

ابناء الرضا علیهم السلام گاه به دلایلی و از جمله حفظ جان و یا اثبات سخنان خود، به اقداماتی خارق العاده دست می زدند. ارائه این گونه معجزات به ویژه در حضور عباسیان، افزون بر اظهار عجز حکومت، در باورپذیری امامت ابناء الرضا علیهم السلام نیز تأثیرگذار بود. در ادامه، به مواردی از این دست اشاره می شود:

الف) امام جواد علیه السلام در مقابل توطئه معتصم که به عده ای از وزرای خود امر کرد تا شهادت دروغ دهند که امام علیه السلام قصد قیام علیه او را داشته اند، ابتدا انکار کردند و با اصرار معتصم به شاهد داشتن، برای رفع اتهام از خود، دست هایشان را بلند کردند و فرمودند: خدایا اگر آنها به من دروغ بستند، پس آنها را بگیر. ناگهان اتاق به لرزه درآمد. معتصم با توبه از سخن خود از امام علیه السلام خواست تا از خدا بخواهند، زمین را آرام کند. ایشان پذیرفتند و در این لحظه اتاق آرام شد.<sup>۲</sup>

ب) در زمان خلافت متوکل، زنی ادعا کرد که حضرت زینب علیها السلام است و با تصرف پیامبر صلی الله علیه و آله در او، هرچهل سال جوان می شود. متوکل، بزرگان و علما را جمع کرد و از آنها کمک خواست، اما آنها جوابی نداشتند و متوکل را به امام هادی علیه السلام ارجاع دادند. امام علیه السلام فرمودند: او دروغ گو است و عمه ام علیها السلام در فلان سال فوت کرده است. متوکل پرسید: آیا غیر از این، دلیلی برای دروغ گو بودن هست؟ امام علیه السلام فرمودند: بله گوشت فرزندان مادرم فاطمه علیها السلام بر حیوانات درنده حرام است. این زن را داخل قفس حیوانات درنده وارد کن تا معلوم شود،

۱. مجلسی، محمد باقر، همان، ۳۶۲/۹۷.

۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، الخرائج والجرائح، ۶۷۱/۲.

دروغ می‌گوید. متوکل تصمیم گرفت او را وارد قفس کند، اما زن گفت: این آقا با این کار قصد کشتن مراد دارد. این حرف را روی یک نفر دیگر امتحان کنید. برخی از دشمنان امام علیه السلام به متوکل پیشنهاد کردند که خود ایشان داخل قفس شوند. متوکل از امام علیه السلام خواست تا داخل قفس شوند. امام علیه السلام پذیرفتند و وقتی داخل قفس شیر شدند، شش شیردرنده نزد ایشان آمدند. امام علیه السلام آنها را نوازش کردند و با دست خود اشاره‌ای کردند، شیرها دور شدند. وزیر متوکل به او گفت: تا آبروی ما به خطر نیفتاده است، سریعاً ایشان را از قفس بیرون بیاور! امام علیه السلام بیرون آمدند و فرمودند: هر کس ادعا دارد که فرزند فاطمه علیها السلام است، داخل شود. آن زن، اعتراف کرد که دروغ گفته و نیاز مالی او را به این کار وا داشته است. مادر متوکل، واسطه شد و جان او را نجات داد.<sup>۱</sup>

ج) متوکل، زمانی تصمیم گرفت با نمایش نیروی لشکری خود به امام هادی علیه السلام، ایشان را از قیام علیه خود بترساند و از همین رو، دستور داد تا تل بزرگی از خاک آماده کنند و با امام علیه السلام به بالای آن تل رفت و لشکر او در مقابل امام علیه السلام رژه رفتند. امام هادی علیه السلام نیز در مقابل این حرکت او با خواندن دعایی لشکر خود را به او نشان دادند. در این هنگام، متوکل در زمین و آسمان، فرشتگان بی‌شماری همراه با اسلحه دید؛ به طوری که لشکرش قابل مقایسه با آنها نبود و به همین دلیل، از ترس بیهوش شد و به زمین افتاد. پس از به هوش آمدن، امام علیه السلام با تذکر این نکته که هدف ایشان دنیا نیست، بلکه دغدغه مند امور معنوی و اخروی است، متوکل را متوجه بی‌اساس بودن آنچه می‌پندارد، کردند.<sup>۲</sup>

### مرحله سوم: مدیریت ابناء الرضا علیهم السلام پس از بحران

مدیریت پس از بحران، شامل تمام اقدامات و فعالیت‌هایی است که پس از وقوع و پیدایی بحران انجام می‌شود. همچنین شناسایی عوامل ایجادکننده بحران نیز در این مرحله صورت می‌گیرد تا در بحران‌های آینده استفاده شده و با اطلاعاتی که

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۵۰ / ۱۴۹.

۲. قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، همان، ۱ / ۴۱۵.

طی فرایند مدیریت بحران کسب می‌شود، راهی برای افزایش آمادگی در بحران‌های آینده پیدا شود.<sup>۱</sup> همان‌گونه که گفته شد در مدیریت بحران‌ها، اصحاب ائمه علیهم‌السلام نیز یاری‌رسان ایشان بودند، از جمله اقدامات آنها ثبت مستندات تاریخی، پیرامون واکنش ابناء الرضا علیهم‌السلام در مواجهه با بحران‌هاست و همچنین ثبت اشعار شعرای امامی در نامشروع دانستن حکومت. برای نمونه، نقل‌هایی از ایشان بیان شده که در بردارنده اقدامات ابناء الرضا علیهم‌السلام در نامشروع نشان دادن حکومت عباسی و به موازات آن، اثبات امامت ایشان است. انتقال این نقل‌قول‌ها به نسل‌های بعدی، سبب شد تا شیعیان به این باور برسند که حکومت عباسی فاقد مشروعیت است و همچنین نقل‌هایی که اثبات‌کننده امامت ابناء الرضا علیهم‌السلام بودند، «خلافت» را حق مُسلم ائمه معصومین علیهم‌السلام نشان می‌دهند. از این‌رو، می‌توان این امر را از اقدامات پس از بحران به حساب آورد.

## نتیجه‌گیری

خلفای عباسی با اقداماتی چون استخدام علما، وصلت با ابناء الرضا علیهم‌السلام، به‌کارگیری شعرا و تطمیع آنها، سعی کردند حکومت خود را مشروع جلوه داده و به موازات آن با توهین به ابناء الرضا علیهم‌السلام و تشکیل جلسات مناظره، جایگاه علمی، موازات اجتماعی و دینی ایشان را نزد مردم تضعیف کنند و بدین ترتیب، مشروعیت ائمه علیهم‌السلام را زیر سؤال ببرند و بحرانی سیاسی، فکری و اجتماعی ایجاد کنند. ائمه متأخر شیعه علیهم‌السلام در این بازه زمانی با انجام اقدامات و راه‌کارهایی، توانستند به مبارزه با مشروعیت‌بخشی به حکومت جعلی خلفا پرداخته و جایگاه خود را نیز نزد مسلمانان تثبیت کنند. در وهله نخست، آمادگی و پیشگیری از بحران در اولویت قرار داشت و از همین‌رو، در آغاز به امامت رسیدن، شایستگی این مقام را برای خود با علم و کرامات اثبات کردند، اما از آنجا که در تمام مدت امامت ابناء الرضا علیهم‌السلام قدرت و ثروت در دست حکومت بود و وقوع بحران اجتناب‌ناپذیر بود، ائمه علیهم‌السلام با استمداد از خداوند و کمک گرفتن از اصحاب و شعرای امامیه،

1. Coombs, Timothy, "Crisis management and communications.", p. 4.



به روشنگری و آگاهی بخشی توده مردم با هدف مقابله و فروکاستن اثرات بحران، اهتمام ورزیدند و خلفا را مصداق طاغوت دانستند و با دستوراتی نظیر نهی شیعیان از همکاری با حکومت و یا مراجعه به آنها برای دادرسی، رد نظرات فقهی علمای درباری و همچنین با عدم حمایت از پشتوانه‌های حکومتی، به مقابله با مشروعیت حکومت پرداختند. همچنین به موازات این عمل، با استناد به آیات و روایات نبوی و نیز بهره‌گیری از علم الهی و ارائه معجزات، به اثبات مقام امامت خود اقدام کردند. ثبت تدابیر و اقدامات ابناء الرضا علیهم‌السلام در تلاش برای اثبات نامشروع بودن حکومت توسط اصحاب ایشان، می‌تواند از جمله اقدامات پس از بحران به حساب آید که با مطالعه آنها نسل‌های بعد نیز به نامشروع بودن حکومت واقف شدند و امامت را حق ائمه علیهم‌السلام دانستند.

## فهرست منابع

### کتاب‌ها

\*قرآن کریم.

- ابن اثیر، علی، تاریخ کامل، ترجمه: حمیدرضا آژیر، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، چاپ هاشم حسینی طهرانی، قم، بی تا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا علیهم‌السلام، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ ق.
- ابن حجر عسقلانی الشافعی، احمد بن علی، لسان المیزان، مطبعة دائره المعارف، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۱ ق.
- ابن شعبه جزّانی، حسن، تحف العقول عن آل الرسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، چاپ دوم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابي طالب علیهم‌السلام، المكتبة الحیدریه، نجف، ۱۳۷۶ ق.
- ابن منظور، محمد، لسان العرب، انتشارات ادب حوزه، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ابوالفرج اصفهانی، علی، الاغانی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- ابوالفرج اصفهانی، علی، مقاتل الطالبیین، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۹ ق.

- اربلی، علی، کشف الغمه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ ق.
- امین عاملی، محسن، اعیان الشیعه، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
- برگ، دیویدنیسه تن، مدیریت بحران، ترجمه: محمد علی ذوالفقاری، نشر حدیث، تهران، ۱۳۷۳ ش.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، دارالمکتبه الحیاء، بیروت، ۱۳۰۶ ق.
- حلی، علی بن طاووس، مهج الدعوات ومنهج العبادات، دارالذخائر، قم، ۱۴۱۱ ق.
- خزاعی، دعبل، دیوان، دارالکتاب اللبنانی، بیروت، ۱۹۷۲ م.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- شاکری، حسین، موسوعه المصطفی والعترة، بی نا، بی جا، ۱۴۱۹ ق.
- شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، إثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
- شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- شیخ مفید، مُحمّد بن مُحمّد بن نُعمان، الاختصاص، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- شیخ مفید، مُحمّد بن مُحمّد بن نُعمان، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، دارالمفید، بیروت، ۱۳۴۱ ق.
- شیخ مفید، مُحمّد بن مُحمّد بن نُعمان، الفصول المختاره، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
- صلواتیان، سیاوش، رسانه ها و مدیریت بحران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۸۹ ش.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، المطبعة المرتضویه، نجف، ۱۳۵۰ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۵ ق.
- طبری، محمد، دلائل الامامة، دارالذخائر، قم، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، رجال، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، بی تا.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی)، اختیار معرفة الرجال، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، لاهیا التراث، قم، بی تا.
- عیاشی، محمد، تفسیر العیاشی، المکتبه العلمیه الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۱ ش.

قطب راوندی، سعید بن هبه الله، الخرائج والجرائح، مؤسسه الامام المهدي عجل الله تعال فرجه قم، ۱۴۰۹ ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.  
گاتزچاک، جک، مدیریت بحران (در بخش های خصوصی و دولتی)، ترجمه: علی پارسائیان، انتشارات ترمه، تهران، ۱۳۸۳ ش.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۸ ش.  
مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول صلى الله عليه وآله، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۴۰۴ ق.

مسعودی، علی، مروج الذهب ومعادن الجواهر، مكتبة العصرية، بيروت، ۱۴۲۵ ق.  
میتراف، ایان؛ انگناس، گاس، مدیریت بحران پیش از روی دادن، ترجمه: محمود توتونچیان، مؤسسه عالی آموزش و پرورش مدیریت برنامه ریزی، تهران، ۱۳۸۱ ش.  
نادری، نادر، برآمدن عباسیان، ایدئولوژی مذهبی و اقتدار سیاسی، ترجمه: عبدالحسن آذرنگ و نگار نادری، نشر سخن، تهران، ۱۳۸۴ ش.  
یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۳۱ ق.

Coombs, Timothy W, Crisis management and communications, 2007.

Ess, Josef van. Theologie Und Gesellschaft Im 2. Und 3. Jahrhundert Hidschra. Band 2: 002. Berlin; New York: De Gruyter, 1990.

Perrow, Charles. Normal Accidents: Living with High Risk Technologies – Updated Edition. Princeton University Press, 2011.

Reid, Janine L. Crisis Management: Planning and Media Relations for the Design and Construction Industry. John Wiley & Sons, 2000.

Reid, Janine L. Crisis Management: Planning and Media Relations for the Design and Construction Industry. John Wiley & Sons, 2000.

## مقالات

Ash, Steven, and Douglas Ross. "Crisis Management through the Lens of Epidemiology." Business Horizons 47 (February 1, 2004): pp. 49–57. [https://doi.org/10.1016/S000700028-\(04\)6813-X](https://doi.org/10.1016/S000700028-(04)6813-X).

Burnett, John J. "A Strategic Approach to Managing Crises." Public Relations Review 24, no. 4 (December 1, 1998): 475–88. [https://doi.org/10.1016/S0363-80112-\(99\)8111X](https://doi.org/10.1016/S0363-80112-(99)8111X).

Coombs, W. Timothy. "Information and Compassion in Crisis Responses: A Test

of Their Effects.” *Journal of Public Relations Research* 11, no. 2 (April 1, 1999): 125–42. <https://doi.org/10.1207/s1532754xjpr1102-02>.

Koster, Maria C., and Helen Politis–Norton. “Crisis Management Strategies.” *Drug Safety* 27, no. 8 (July 1, 2004): 603–8. <https://doi.org/10.2165/00002018-200427080-00011>.